

## کودکان ایران بدون پناه قانونی

● شکنجه و قتل یک دختر خردسال توسط افراد خانواده اش

مردم را تکان داده است

● کودک آزاری در ایران بسیار گسترده است

در صفحه ۲

## ۱۰ فرمان تازه خامنه‌ای:

### ایران را به یک مسجد بزرگ تبدیل کنید!

اما نکته‌ای که در این میان قابل توجه است. خامنه‌ای بار دیگر نشان داده است که نه می‌خواهد و نه استعداد آن را دارد که خواست‌های نسل جوان ایران را بفهمد و به آنان گردن بگذارد. در حالی که میلیون‌ها جوان در جریان انتخابات با او به مخالفت آشکار برخاستند و خواهان برقراری آزادی‌های سیاسی و تغییرات اساسی در حکومت، کشور و وضع خود شدند، او هم چنان می‌کوشد که جوانان را به اطاعت از افکار پوسیده خود وادارد. او هر بار که زبان به سخن می‌گشاید بیشتر به نسل جوان، به زنان و به همه مردم ایران نشان می‌دهد که گوش‌هایش بر خواسته‌ها، مطالبات و نیازهای آنان بسته است.

سایر فعالیت‌های جسمی، وقت نماز اساس قرار گیرد. همین گونه دستورالعمل‌ها که ۱۸ سال است تکرار می‌شود نشانه آن است که سران حکومت نتوانسته‌اند آن گونه که می‌خواهند ایران را به یک مسجد بزرگ گوش به فرمان امامان جمعه درآورند. دخالت حکومت در امور مذهبی مردم که همواره با اجبار همراه بوده است، هیچ گاه نتوانسته است اهدافی که حکومت‌گران می‌خواهند را متحقق سازد و همواره با مقاومت روبرو شده است. سرنوشت ۱۰ فرمان تازه خامنه‌ای نیز بدون شک غیر از ایمن و غیر از سرنوشت فرمان‌های مشابه دیگری که او سابق بر این صادر کرده است، نخواهد بود.

سیدعلی خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی، در پیامی که به مناسبت هفتمین اجلاس سراسری نماز صادر کرد، خواهان آن شد که دستگاه‌های اداری، مدارس و خانواده‌ها نماز را جدی بگیرند و آن را به ویژه به جوانان و کودکان بیاموزند. در این فرمان خامنه‌ای ۱۰ دستورالعمل صادر کرده است و خواسته است که: در مدارس و دانشگاه‌ها، در محیط‌های ورزشی، در محیط‌های هنری و در سایر محیط‌های اجتماعی کودکان و جوانان را با انواع تبلیغات به نمازخانه‌ها بکشانند. او خواستار شده است که حتی در تنظیم ساعات حرکت قطارها، هواپیماها، مسابقات ورزشی، برنامه‌های هنری و

## نخستین انجمن صنفی مطبوعات تشکیل شد

در مجمع عمومی فوق‌العاده به تصویب اعضا برسد. در جلسه مجمع عمومی احمد یوزقانی معاون امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد گفت: تشکیل انجمن صنفی نویسندگان و خبرنگاران گسالی در جهت درهم‌شکستن رابطه پدسالارانه حاکم بر مطبوعات کشور است. او افزود: بهبود وضعیت اقتصادی مطبوعات، امنیت شغلی، دسترسی به تولید مطالب خوب، گزارش خلاق و بدست آوردن جایگاه و منزلت شغلی خبرنگار در سطح جامعه در قالب ادامه در صفحه ۲

مرتیضی لطفی سردبیر روزنامه کار و کارگر با ۲۲۶ رای کریم ارغنده‌پور از روزنامه سلام با ۲۰۷ رای محسن آرینی سردبیر دوهفته‌نامه عصر ما با ۱۸۷ رای رجعیلی مزروعی از روزنامه سلام با ۱۷۲ رای مصطفی حق‌دوست از روزنامه جمهوری اسلامی با ۱۳۹ رای غلامرضا عسکری از اطلاعات با ۱۱۱ رای هم چنین در این جلسه تصمیم گرفته شد که هیئت مدیره طرف سه ماهه اسانامه پیشنهادی را اصلاح کرده و

اولین تشکل مطبوعاتی غیر دولتی پس از انقلاب اسلامی تشکیل شد. نخستین مجمع عمومی انجمن صنفی نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات در روز نهم مهر ماه تشکیل گردید و با تصویب اسانامه و انتخاب هیئت مدیره، این انجمن هویت حقوقی پیدا کرد. در این مجمع بیش از ۵۴۰ نفر از خبرنگاران و نویسندگان مطبوعات شرکت داشتند. ترکیب زیر در جلسه بعنوان هیئت مدیره انجمن با آرا شرکت کنندگان انتخاب شدند: عباس عبدی از روزنامه سلام با ۲۶۵ رای

## طرح مشترک احزاب پارلمانی سوئد در مورد ایران

نمی‌کنم. ولی از طرفی سیاست بایکوت اقتصادی نیز سلاخی دوله است و این را در مورد عراق دیدیم. ما اعتقاد داریم که باید برای پیه تحقق رساندن حرفه فشار پشت آن گذاشت. این طرح همچنین به نتایج انتخابات ریاست جمهوری ایران پرداخته و اشاره شده است که مردم ایران با شرکت در این انتخابات نارضایتی خود را نسبت به رژیم ابراز داشتند. انتخاب خاتمی در ایران مورد استقبال قرار گرفته و احتمالاً باعث افزایش اعتماد به نفس مردم ایران شده است. ادامه در صفحه ۲

اتحادیه اروپا با ایران از جمله به دنبال محکومیت سران رژیم ایران در دادگاه برلین موسوم به دادگاه میکونوس در رابطه با قتل مخالفین رژیم مورد شک و تردید قرار گرفته است. وزیر خارجه سوئد مدتها پیش در جلسه خانم لنا یلم والین (Lena Hjelm - Wallen) استیضاحی پارلمان از وی در این رابطه گفته است: «ما باید به سیاست دیالوگ انتقادی به شیوه‌ای منتقدانه برخورد کنیم. آیا این سیاست نتیجه‌ای میدهد؟ سیاست‌های بهتری هم وجود دارد؟ من از پیش راه‌حل‌های دیگری را رد

احزاب موجود در پارلمان سوئد جهت تنظیم سیاست‌های پارلمان سوئد در مورد ایران از بهار امسال کمیته ویژه‌ای تحت عنوان «کمیته ایران» تشکیل داده اند. این ۷ حزب با ارائه طرحی سیاست پارلمان و دولت سوئد در قبال ایران را پیشنهاد کردند. در این طرح ابتدا به کارنامه سیاه جمهوری اسلامی در قبال مخالفین و دگراندیشان و اعدامها، شکنجه‌های هزاران تن از زندانیان سیاسی در طول حاکمیت این رژیم پرداخته شده و به زیر پانهادن و بی‌اعتنایی این رژیم به قوانین بین‌المللی اشاره شده است. همچنین سیاست «دیالوگ انتقادی»

## شهر داری تهران:

### کانون مشاجرات

شهردار تهران و تخلفات در شهرداری در هفته‌های اخیر به کانون مشاجرات در درون حکومت اسلامی و در مطبوعات کشور و به ابراز اعمال فشار جناح رسالت علیه جناح‌های دیگر تبدیل شده است. قوه قضائیه به سرعت دادگاه محاکمه شهردارهای مناطق ۱ و ۵ و ۲۰ تهران را ترتیب داد و آن‌ها را محکوم نمود. روزنامه‌های رسالت و کیهان در افشا شهردار تهران و شهرداری‌های مناطق آن گوی سبقت را از دیگران برودند. جمع زیادی از نمایندگان مجلس شورا از رئیس مجلس شورا خواسته‌اند که شهردار تهران در جلسه غیر علنی جهت ارائه اطلاعات در خصوص مسائل اخیر شهرداری حضور یابد. ادامه در صفحه ۲

## فرصت‌ها همیشگی نیست

### مردم اجرای وعده‌ها را می‌طلبند

محمد خاتمی، رئیس جمهوری جدید، با وعده برقراری قانونیت و عدالت، آرای ۲۰ میلیون نفر از رأی‌دهندگان ایرانی را به دست آورد. اکنون که نزدیک به پنج ماه از انتخاب خاتمی و نزدیک به سه ماه از آغاز دوره مسئولیت او می‌گذرد، مردم ایران که می‌بینند در زندگی آنها تغییری حاصل نشده است، از خود می‌پرسند انتظار اصلاحات تاکی به طول خواهد انجامید؟ واقعیت این است که روی کارآمدن خاتمی، هیچ یک از مراکز قبلی قدرت را در جمهوری اسلامی حذف نکرده است. به لحاظ صوری، تنها مراکزی که طبق قوانین جمهوری اسلامی باید قدرت در آن انتقال می‌یافت، ریاست جمهوری و کابینه بود. حداکثر تغییری که در آرایش قوا وارد شده است، این است که یک مرکز جدید قدرت به مراکز دیگر افزوده شده است. این کانون جدید که از خاتمی و اطرافیان او تشکیل شده است، فعلاً نتوانسته یا نتوانسته است سیاست‌های جمهوری اسلامی را دستخوش تغییر جدی کند. مردم بعد از شنیدن نطق‌ها و وعده‌ها، منتظر علایمی ملموس حاکی از بهبود شرایط زندگی خود هستند. اگر این انتظار به درازا کشد، دیگر خاتمی که خواهان اصلاحاتی، در چارچوب کلی جمهوری اسلامی است، نخواهد توانست روی حمایت مردم، آنگونه که در رأی دادن به وی جلوه یافت، حساب کند. اعتمادی که مردم در انتخابات به وعده‌های قانونیت و عدالت خاتمی نشان دادند، چک سفیدی نبوده که به اعتبار آن، انتخاب‌شده بتواند هر کار که خود خواست و در هر زمان که خود مناسب تشخیص داد، انجام دهد. این اعتماد، وام و اعتبار سنگینی بود که رأی‌دهندگان برای اجرای سیاستی معین دادند. در اجرای این سیاست نشانه‌های جدی دیده نمی‌شود.

اکنون حساسیت زمان و جان کلام در اینجاست که مردم بطور جدی در انتظارند که نشان مشخصی از عزم و اراده برای عمل کردن و نه فقط حرف زدن دیده شود، که تدارک مشخص برای اقدامات مشخص مشهود باشد، که اعلام شود کدام لویج و اصلاحات قانونی در دستور کار دولت‌اند، که لاقول، فاحش‌ترین جلوه‌های تداوم اعمال سیاست‌هایی که با وعده اصلاحات مغایرند، از سوی دولت محکوم شود. به نظر می‌رسد برخی از محافل حاکم در جمهوری اسلامی به این نتیجه رسیده‌اند که «هزینه» بسیار اندک، می‌توان متاعی بسیار گران را که حسن نیت مردم و کاهش از انزوای بین‌المللی است، خرید، و دیگر نیازی به تغییرات بیشتر نیست. توهم‌افزایی‌هایی که در غرب درباره «انقلاب در پای صندوق‌های رأی» صورت گرفت و برخی نشانه‌های حاکی از ملایم شدن سیاست غرب در قبال جمهوری اسلامی، بسیاری از سران جمهوری اسلامی را در تصمیم به ادامه هرآنچه بوده است، استوارتر کرده است. از نظر آنان، رویداد دوم خرداد، استثنایی گذرا بود که هر چه زمان بگذرد از تأثیر تحول‌ساز آن کاسته خواهد شد. در این ارزیابی، هسته‌ای از واقعیت وجود دارد، و آن این است که نیروی تحول در چارچوب جمهوری اسلامی، بیش از آنکه بر اراده این یا آن نیروی درون حکومت متکی باشد، تحت تأثیر اراده یکپارچه مردم برای تغییر آنچه هست شکل گرفته است. اگر مردم برای تحقق این اراده خود، از آمیدی که به وعده‌های خاتمی بسته‌اند رویگردان شوند، راه‌های دیگری برای تحقق خواست‌های خود خواهند یافت. در این صورت، این خاتمی و سایر نیروهایی که در جمهوری اسلامی با چهره اصلاح‌طلبانه به میدان آمده‌اند، خواهند بود که حکم پدیده‌هایی گذرا در تاریخ ایران را خواهند یافت و فردا کسی از آنها نامی نخواهد برد بجز کسانی که خواستند با وعده‌های شیرین، مشاطه‌گر چهره زشت استبداد باشند.

## نشریه «ایران زمین»

### تعطیل شد

بجای نشریه «ایران زمین»، روزنامه «مجاهد» منتشر می‌شود در صفحه ۳

## وزارت خارجه آمریکا

### مجاهدین خلق ایران را در لیست

### گروه‌های «تروریست» قرار داد

این فهرست، شامل ۳۰ سازمان از کشورهای مختلف می‌شود. روزنامه لس‌آنجلس تایمز در شماره ۱۹ اکتبر ادامه در صفحه ۳

دو هفته پیش اعلام شد وزارت خارجه آمریکا سازمان مجاهدین خلق ایران را در فهرست بین‌المللی گروه‌های «تروریست» قرار داده است.



طرح ابرار ایستگاه‌های مطبوعاتی در ایستگاه‌های اتوبوس برای گسترش روزنامه‌خوانی

**در این شماره**

- برای فعالیت آزادانه در کشور
- ف. تابان صفحه ۷
- گفتگو با بابک امیرخسروی صفحه ۱۰
- مصاحبه با ب. گیوان صفحه ۹
- مفتون سینما، مطرود اجتماع
- هم احمدیان صفحه ۶

## کودکان ایران بدون پناه قانونی!

را پوشیده بود. توی نمازخانه نیروی انتظامی بچه‌ها را دیدم. از پشت یقه لباس آرمان دیدم تنش زخم است، گردنش کبود بود. رد کمر بند روی تن هردوشان بود. ناخن‌های آبرین از نیمه کبود بود. انگار گذاشته باشند لای در. جگرم آتش گرفت. خواستم که این را صورت جلسه بکنم. برگه صورت جلسه را بردم پیش رئیس دادگاه. گفتم: «اجازه بده بروم بچه‌ها را بیاورم تا ببینی او با بچه‌ها چه می‌کند.»

گفت: «من هیچ وقت این کار را نمی‌کنم که تحت تاثیر احساس قرار بگیرم و خلاف قانون حکم بدهم.»

زنگ زدند: «بیا آرمان را شناسایی کن.» از طرف مدرسه آورده بودندش خانه خواهرم. دیدم بینی‌اش شکسته. صورتش کبود است. دست‌ها، پاها، تمام تنش کبود است. رفتم مدرسه، گریه کردم. از پرسنل مدرسه خواستم کمک کنند تا لااقل بچه را بگیرند. بدهند بهزیستی. گفتند: «ما هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم.»

رقم شعبه ۱۱۹ گفتم: «آرمان را زده‌اند مدرسه هم شاهد است»، گفتند: «پدر است، کار بدی کرده او را زده.»

گفتم: «نمی‌گذارند آبرین به مدرسه برود»، گفتند: «دوست ندارد، دخترش به مدرسه برود، مگر زور است!»،

آری در جامعه مردسالاری ما که قوانین فوق ازجای جمهوری اسلامی بر آن حاکم است، پدر مالک و صاحب جان و زندگی و روان کودک است. می‌تواند او را شکنجه کند، می‌تواند مانع از تحصیل وی شود، می‌تواند سلامت و بهداشت او را نادیده بگیرد، می‌تواند او را آزار بدهد و قانون هم پشتیبان حق سرپرستی و ولایت اوست.

مورد «آبرین» شاید از نظر حدت و نوع فشارها ویژه و منحصر به فرد باشد اما کودک‌آزاری در ایران بسیار گسترده است. خبر مرگ دردناک «آبرین» جامعه و مردم ما را تکان داده و هوشیار کرده‌است. اکنون از جای‌های شهریهای کشور به ادارات انتظامی و قضائی خبر می‌دهند که در همسایگی آن‌ها کودکی را کتک می‌زنند. اما آیا گوش شنوا و قانون و یا نهاد پی‌گیرنده‌ای هست؟



بردم پیش خودم. آبرین پنج سالش بود. شب توی خواب خودش را می‌خارانند. نگاه کردم، روی دستگاه تناسلی‌اش کرم‌های سفید راه می‌رفتند. سردمش پیش دکتر زنان، دکتر تعجب کرد. گفت: «آسیبی به او نرسیده اما بیماری او بیماری زن شوهردار است. کیست کرمی توی شکم دارد». بچه ۱۸ روز برای درمان پیشم بود. بعد دوباره به زور او را گرفت.

نه ماه نگذاشت بچه‌ها را ببینم. رفتم اجرای احکام شکایت کردم. نتیجه این شد که نه هزار تومان جریمه‌اش کردند. داد می‌زد: «پس من چی؟ من نه ماه است بچه‌هایم را ندیده‌ام!». بعد از این مدت، بچه‌ها دیگر پیش من نمی‌آمدند.

زستان سال ۷۴. آخرین باری بود که بچه‌ها را دیدم. آرمان همین لباس‌ها



دنیای آمدن او وضع خیلی بدتر شد. حتی اگر تمام تهران هم مهریه شما باشد، مهم نیست. مرد می‌آید دادگاه و می‌گوید: «زخم فرشته است. بهترین زن روی زمین است اما من می‌خواهم طلاقش بدهم». بعد هم مهریه را می‌گذارد روی میز و سند طلاق را امضا می‌کند. اما وقتی می‌روید دادگاه، روی دیوار نوشته‌اند: «اگر زنی بخواهد بدون دلیل از همسرش طلاق بگیرد، عرش خدا به صدا درمی‌آید». پنج بار مرا از خانه بیرون کرد.

بعد از شش ماه دوندگی توانستم بچه‌ها را بگیرم. ۲۴ ساعت مهلت داشتیم آن‌ها را ببینیم. شب مهمانی بودیم. دیدم مدام سرشان را می‌خارانند. صبح موهایشان را نگاه کردم. دیدم توی سرشان شیش راه می‌رود. رفتم پزشکی قانونی نگاه

۲۲۳ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: «هرگاه بالغي، بالغي را بکشد قصاص می‌شود» اما ماده ۲۲۰ همان قانون، پدر یا جد پدری را از قصاص معاف می‌کند.

دکتر جفرویی سخنران جلسه بررسی کودک‌آزاری:

«مشاهده کردیم که مادر این بچه چندبار درخواست حضانت او را کرده و اعلام نموده که این بچه مورد آزار است. اما سرپرستی را به پدر می‌دهند و به مادر نمی‌دهند.»

از گفته‌های خانم ناهید نجیب‌پور مادر «آبرین»:

«آبرین» بدترین کتک را در دوران جنینی، در نه‌ماهگی، خورد و بدترین شکنجه را در نه سالگی دید. بعد از به

۱۰۶ زخم در حال التیام، ۱۵ سائیدگی، ۲ سوختگی و مقدار زیادی کبودی‌های زیرجلدی قابل مشاهده بود.

دکتر شیخ آزادی متخصص پزشکی قانونی:

ماده ۱۷۹ قانون مدنی مقرر داشته که والدین حق تنبیه طفل خود را دارند... ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز در این رابطه مقرر داشته که اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان محجورین که به منظور تأدیب یا حفاظت آن‌ها انجام می‌شود، مشروط به این‌که اقدامات مذکور در حد متعارف تأدیب و محافظت باشد، جرم محسوب نمی‌شود. اما تعیین این حد متعارف، به جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند و پذیرش آن جامعه در مورد تأدیب و تنبیه، برمی‌گردد. ماده

در ایران تا فاجعهای رخ ندهد، نارسایی‌ها و نابسامانی‌ها، هر قدر هم که بزرگ و گسترده باشد، راه به رسانه‌ها نمی‌یابد و از آن بدتر از نگاه توجه عمومی پنهان نگاه داشته می‌شود. قتل «آبرین»، دختر بچه نه ساله، بیشتر عفونت یک زخم عمیق اجتماعی بود؛ یک کودک، ماه‌ها و سال‌ها توسط پدر، نامادری و ناپرادرسی به شدیدترین شکل شکنجه می‌شود. کم و بیش همگان بر ویژه مقامات مربوطه انتظامی و قضایی در جریان امر قرار داده می‌شوند. مادر «آبرین» بارها از بدرفتاری پدر، شکنجه شدن و وجود آثار شکنجه در بدن وی به مقامات قضایی شکایت می‌برد. پاسخ صریح است و قاطع: پدر حق تنبیه فرزند را دارد. حق حضانت یک کودک نه ساله به پدر وی داده می‌شود و در عمل، مادر حتی از دیدار فرزندش محروم می‌شود. نگاهی به اظهارنظرها، شواهد و جنبه‌های مختلف این رویداد اسفبار، فرهنگ، منش و قوانین غیرانسانی را که در جمهوری اسلامی بر پیکر و جان و روان زنان و کودکان جامعه ما حاکم است، بازتاب می‌دهد.

گزارش پزشکی قانونی:  
«آبرین گلشنی» کودکی بود با ۱۱۰ سانتی‌متر قد و ۱۵ کیلوگرم وزن که ۲۴ ساعت پس از مرگ به پزشکی قانونی تحویل داده شد.

زخم‌های در حال التیام در فرق سر، پیشانی، پس‌سر، گونه‌ها، شکستگی دندان پیشین سمت راست از ریشه، سائیدگی در حال التیام در روی گونه و پشت گوش، در مجموع ۱۶ زخم در حال التیام و چهار سائیدگی در سر و صورت...  
در قفسه سینه، خلف قفسه سینه و کپل ۱۷ اثر زخم قدیمی و ۲۱ زخم در حال التیام و ۶ سائیدگی دیده می‌شود. در اندام فوقانی موارد زیر دیده شد: شکستگی قسمت فوقانی بازوی چپ و خردن مژگی‌های در حال جذب لابه‌لای عضلات مربوط به بیش از یک ماه قبل.  
در اندام تحتانی مجموعاً ۳۰ سائیدگی و زخم در حال التیام و دو سوختگی با جسم داغ وجود داشت. در مجموع ۳۰ جوش‌گاه قدیمی.

### طرح مشترک احزاب پارلمانی...

کوشندگان فرهنگی ایران در پیش گیرد.  
\* که پارلمان سوئد از دولت بخواهد، سوئد تلاش کند که اتحادیه اروپا تا آزادی فرج سرکوهی و پروین اردلان و امنیت و آزادی آنها از اعزام سفرای خود به ایران امتناع ورزند.  
\* که پارلمان سوئد از دولت بخواهد، توسط یک نهاد بی‌طرف، چگونگی به قتل رسیدن نویسندگانی از جمله سعیدی سیرجانی، ابراهیم زال زاده، غفار حسینی و... مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد.  
\* که پارلمان سوئد از دولت بخواهد، کشور ایران را همچنان کشوری ناامن تلقی نموده و از اخراج مخالفین سیاسی و مذهبی رژیم از سوئد خودداری نماید.  
استکھلم ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۷  
اوا ستربرگ Eva Zetterberg (حزب چپ)  
بنگت سیلورستراند Bengt Silverstrand (حزب سوسیال دموکرات)  
هنریک یرل Henrik S. Järrel (حزب محافظه کار «مدرات»)  
رولف کنه‌رید Rolf Kenneryd (حزب مرکز)  
کارل یوران بیورسمارک Karl-Göran Björnsmark (حزب لیبرال مردم)  
راگنیلد پوهانکا Ragnhild Puhanka (حزب محیط زیست «سیزها»)  
روزماری فربه‌ران Rose-Marie Frebran (حزب دمکرات مسیحی)

### چانه بر سر چگونگی بازگشت سفرا

پس از سخنان کلاوس کینکل، وزیر خارجه آلمان در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در یکم مهر ماه (۲۳ سپتامبر) سال جاری و گفته‌های سخنگوی وزارت خارجه آلمان، از سوی طرف دیگر درگیری، دکتر سعید محمدی در مقام پاسخگویی برآمد.

او در باره سخنان سخنگوی وزارت خارجه آلمان مبنی بر این که آلمان پیشنهاد ایران برای گفتگوهای دو جانبه را رد کرده است، گفت دیدار میان ایران و آلمان از آغاز از سوی کینکل در سخنرانی وی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطرح شد. محمدی سخنان در مقام وزارت خارجه آلمان را در تناقض با یکدیگر و نشانه وجود سر درگسی در وزارتخانه نام‌برده دانست. او گفت ایران بدون هر گونه عجله، در انتظار جبران اقدامات غیردوستانه آلمان است که احساسات ملت ایران را جریحه‌دار کرده است.

روزنامه جمهوری اسلامی نیز بار دیگر سرمقاله‌ای با نام «زمان به زبان آلمان پیش می‌رود» به ماجرای سفرا اختصاص داد. در این سرمقاله از ناتوانی دولت بن در حل متین و منطقی مشکلی سخن رفته است که گویا در اثر افتادن آن در دام توطئه‌های صیونیستی برایش به وجود آمده است. «جمهوری اسلامی» بر آن است که اتحادیه اروپا بر بازگشت هر چه سریع‌تر سفرای خود به تهران اصرار

خوahan دگرگونی بنیادین این قانون و این بی‌فرهنگی بود تا جان سکینه‌ها پوچ نشود و پرندۀ آزادی آنان در کنج قفس‌ها پر نریزد. باید هر چه در توان است در این راه مایه گذاشت.

### سکینه ۲۰ ساله، قربانی بربریت

دختری ۲۰ ساله به دست پدر و برادرش کشته شد. پدر سکینه با نقشه قبلی پسرش را فراخواند تا با هم سکینه را به عمد بکشند و با پنهان کردن سبب اصلی مرگش به خاک سپارند. قاتل با دادن رشوه به یک پزشک عمومی از او گواهی دهن برای دخترش می‌گیرد. هیچ گاه کسی از این جنایت سو نمی‌برد، هرگاه مرده‌شور منطقه محمدآباد مشهد با دیدن شیار روی گردن سکینه مشکوک نمی‌شد و شهرداری را به یاری فرامی‌خواند.

در گواهی پزشک عمومی آمده است متوفی بر اثر ایلتا به بیماری داخلی (صرع) و ایست قلبی فوت کرده و دهن وی بلا مانع است. حال این‌که سکینه در پی «انسداد مجاری تنفسی و آسیب دیدگی از ناحیه گردن» کشته شده است.

سکینه را بی‌رحمانه خفه کرده‌اند و رسانه‌های گروهی حکومت اسلامی این قتل عمد را نتیجه سوء تفاهم می‌دانند.

حال این سوء تفاهم چه بوده است؟ تلفن‌های مشکوکی به خانه پدری می‌شده است که پدر خانواده آن را با فساد اخلاقی دخترش در ارتباطی بی‌چون و چرا تشخیص و فرمان به قتل او داده است.

رسانه‌های مملکت اسلامی چنان از سوء تفاهم می‌گویند و می‌نویسند، که گویا آدمی باید به حال آن پدر بدبختی دل بسوزاند که سر هیچ و پوچ دختر نازنینش را از دست داده است و دختری، که طفلکی متاسفانه بر سر یک سوء تفاهم پیش پافشارده مرده است. چنان بسوز دل می‌نویسند که آدمی جرات نمی‌کند و پیشرفته و امروزی باشد. باید

سخنی از جنایت به میان آورد و در آستانه بخشیدن گناه پدر داغداری برمی‌آید که از سر نادانی دخترش را کشته است.

زبان از پاسخ‌گویی به این پیاوه عاجز می‌ماند. آن که چنین پیاوه می‌پراکند، در واقع حق پدر می‌داند که دختر خود را بکشد، باری تنها آن گاه که شک مورد نظر واقعاً وارد باشد. بر این بنیان پدر حق دارد، مرد حق دارد مادر، خواهر، زن، دختر و نیز پسر خردسال خود را بکشد، می‌تواند هر بلایی که می‌خواهد بر سر انسان بیاورد، هرگاه، تنها اگر و در صورتی که ثابت شود که شک درست بوده است و اتهام فساد اخلاقی وارد. در این (فرهنگ و اندیشه که نمی‌توان گفت) بی‌فرهنگی و بی‌اندیشگی مرد قاضی است و وکیل و جلا و «خدا»؛ خدای بندگان زیردستش، خدای زنان و نیز پسران نابالغ، حق دارد آن‌ها را بزند، بکشد، شکنجه کند و اگر «دلایلی» درست باشند، حتی لازم نیست ترسی در برابر «قانونی» داشته باشد. چرا که این بی‌قانونی در مملکت ملایان قانون است. در کشور ما این قانون بربریت بسیار اجرا می‌شود و بسیار کم آشکار.

جنایت در این قاموس قانونی است و آزادی، جرم. آزادی واژه‌ای است غریب در جهانی که حق تعیین نیک و بد آن، حق و ناحق آن و زندگی و مرگ در دست کسی است که هر آن می‌تواند حتی بی‌سبب قصد جانت کند. در این چارچوب است که می‌توان و باید گفت که آن بنیانی که این جنایت به پشتوانه آن، حق است نباید پایه قوانین کشوری با فرهنگ و پیشرفته و امروزی باشد. باید

درد و آزار را در این کشور به رسمیت نپذیرد. باید هر چه در توان است در این راه مایه گذاشت.

## قانون داماتو در مورد توتال اجرا خواهد شد

تا پیش از اعلام امضای قرارداد دو میلیارد دلاری کنسرسیوم فرانسوی - روسی - مائزایی توتال - گازپروم - پتروناس با جمهوری اسلامی برای بهره‌برداری از منابع گاز ایران، هیچ شرکت و کشور ثالث بدین آشکاری قانون "تحریم مضاعف" دولت آمریکا را به مبارزه نخواهد بود. کنگره آمریکا و دولت این کشور سال گذشته قانونی را تصویب و تنفیذ کردند که به قانون داماتو (به نام سناتوری که آن را پیشنهاد کرده بود) معروف شد. به موجب این قانون، شرکت‌ها و دولت‌های خارجی که بیش از ۴۰ میلیون دلار در صنایع نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری کنند، مشمول تحریم اقتصادی از سوی ایالات متحده خواهند شد. سقف ۴۰ میلیون دلاری این قانون، امسال به ۲۰ میلیون دلار کاهش یافت. بدین ترتیب، طرف‌های فرانسوی، روسی و مائزایی قرارداد یا ایران، ۱۰۰ برابر مقداری را دولت آمریکا "مجاز" اعلام کرده است در ایران سرمایه‌گذاری خواهند کرد.

اکنون به نظر می‌رسد قانون داماتو از این‌ها نخستین آزمایش میلیاردی، پیروز بیرون نخواهد آمد. دو هفته پیش، مقامات عالی‌رتبه دولت آمریکا اعلام کردند در ازای افزایش فشار اتحادیه اروپا بر جمهوری اسلامی برای فاصله گرفتن از تروریسم، از اجرای قانون داماتو در مورد شرکت فرانسوی توتال چشم‌پوشی خواهند کرد.

در فروردین‌ماه امسال نیز در یک توافق مشابه، دولت آمریکا پذیرفت که از اجرای تحریم مضاعف در مورد شرکای تجاری و اقتصادی اروپایی کوبا صرف‌نظر کند و در عوض، اروپایی‌ها به طور آشکارتری از سیاست واشنگتن علیه کوبا حمایت به عمل آورند.

سناتور داماتو از حزب جمهوریخواه که متبرک تحریم مضاعف است در نامه مشترکی با رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا خطاب به دولت این کشور نوشت اگر ایالات متحده تصمیم قاطع و سریعی در اعمال تحریم علیه توتال اتخاذ نکند، به سیاست خود علیه تروریسم جمهوری اسلامی لطمه خواهد زد. در این نامه خطاب به کلینتون رئیس‌جمهور آمده است: "ده‌ها شرکت خارجی، نظر به واکنش ما

عزائم سفرای خود به ایران در حال حاضر و عدم گفتگو با جمهوری اسلامی در سطح وزرای خارجه، تلاشی باشد برای دادن امتیاز دیپلماتیک به آمریکا در ازای خارج کردن قرارداد توتال و کل مناسبات اقتصادی با ایران از زیر انتقاد آمریکا. تا آنجا که به نیت آمریکا در اعمال تحریم مضاعف مربوط می‌شود، قرار دادن جمهوری اسلامی و لیبی و کوبا در یک مقوله، نشانگر ماهیت این سیاست است. دولت واشنگتن با تصویب چنین قوانینی که معایر حقوق بین‌الملل است، قصد دارد "آقای خود را بر جامعه بین‌الملل تحمیل کند. چنین سیاست زورمدارانه‌ای، نمی‌تواند مورد تأیید هیچ نیروی دمکراتیک در هیچ کشوری باشد. اما در عین حال، آنچه دولت آمریکا در انتقاد از سیاست اروپا در قبال ایران عنوان می‌کند، با واقعیت منطبق است، و آن این است که اتحادیه اروپا اقدامات کافی برای مقابله با تروریسم دولتی جمهوری اسلامی انجام نمی‌دهند، و ما می‌افزاییم که ژست‌های اروپایی‌ها در دفاع از حقوق بشر در ایران نیز به هیچ وجه کافی نیست. ما نیز می‌گوییم بخش عمده‌ای از فعالیت‌های جمهوری اسلامی در کشورهای اروپایی، بر تدارک و انجام عملیات تروریستی متمرکز بوده است و بخش بزرگی از دیپلمات‌های جمهوری اسلامی در این کشورها، فرستادگان وزارت اطلاعات و سایر ارگان‌های سرکوب و ترورند. این تروریست‌ها باید از اروپا اخراج شوند و به دولت جمهوری اسلامی فهمانده شود که در اروپا دیگر کسی تروریسم جمهوری اسلامی را تحمل نخواهد کرد. برخی از عاملین مستقیم حثایت میکونوس محکوم شدند، اما سفارتخانه‌ای که این ترور را استفاده از یک پایگاه در آنجا انجام شد، کماکان به روال سابق فعال است. هیچ تضمینی وجود ندارد که مشابه ترور میکونوس در آینده در همین پایگاه‌ها طراحی و از آنجا برای انجام آن اقدام نشود. از این رو، ما از خواست سازینی اعتبارنامه‌های دیپلمات‌های جمهوری اسلامی که در تدارک اقدامات تروریستی شرکت داشته‌اند، حمایت می‌کنیم، خواستی که از نظر ما به کاهش چشمگیر شمار فرستادگان جمهوری اسلامی به کشورهای اروپایی خواهد انجامید.

در مقابل، مقامات بالای اتحادیه اروپا با قاطعیت از حق توتال برای انعقاد قرارداد با ایران دفاع کرده‌اند. در مطبوعات آمریکا آمده است دولت این کشور در مذاکرات با اتحادیه اروپا از اروپایی‌ها خواسته است در ازای چشم‌پوشی آمریکا از اعمال مجازات علیه توتال، به شش قرارداد بین‌المللی علیه تروریسم که هنوز امضا نکرده‌اند بپیوندند و از شمار دیپلمات‌های جمهوری اسلامی در اروپا آشکارا بکاهند. در مقابل این خواست آمریکا، اتحادیه اروپا اعلام کرده است که به اندازه کافی علیه تروریسم دولتی جمهوری اسلامی موضع گرفته است. مادلن آلبرایت وزیر خارجه آمریکا در انتقاد از این ادعا طی یک سخنرانی گفت: "دوستان و متحدان ما متوجه قضیه نشده‌اند. آنها فکر می‌کنند راهی وجود دارد که بتوان با ایران معامله کرد بدون اینکه از سیاست‌های آن حمایت نمود." هفته گذشته یک دور از مذاکرات آمریکا و اتحادیه اروپا برای رسیدن به توافقی در مورد معاملات اروپا و کانادا با کوبا به نتیجه نرسید و ادامه آن به هفته جاری موکول شد. به نظر می‌رسد در این گفتگوها درباره قانون داماتو و قرارداد توتال نیز مذاکره به عمل آمده است.

آنچه که از این گزارش‌ها می‌توان نتیجه گرفت، این است که در هر حال، تحریمی علیه شرکت فرانسوی توتال اعمال نخواهد شد. به نظر می‌رسد فرانسوی‌ها به قرارداد خود با جمهوری اسلامی پایبند خواهند ماند. تنها می‌ماند این ابهام که اروپایی‌ها تا چه حد حاضر خواهند شد سیاست خود در قبال جمهوری اسلامی را تحت فشار آمریکا تغییر دهند. این احتمال وجود دارد که اظهارات مقامات دولت آمریکا در مورد احتمال امتیاز دادن اروپایی‌ها در این مورد، تنها برای ساکت کردن انتقاد اعضای کنگره آمریکا مانند داماتو باشد. اما این احتمال نیز منتفی نیست که فی‌المثل تصمیم اخیر اتحادیه اروپا برای عدم

## دانشجویان اعتراض می‌کنند

نام‌گفته شده است در حالی که مشکل‌های دانشجویی مورد تأیید مقامات و مسئولین امکانات فراوانی دارند و هزینه‌های زیادی را صرف فعالیت‌های خود می‌کنند، تشکل‌های دانشجویی مجبورند بزرگداشت دکتر شریعتی و شاعر معاصر مهدی اخوان ثالث را در پشت درهای بسته آملی تئاتر دانشگاه برگزار کنند. در دانشگاه فردوسی مشهد، بیش از ۲۰۰ دانشجو با تجمع در برابر خوابگاه مقابل سازمان مرکزی

## شهر داری تهران کانون مشاجرات

مقابل این فشارها ایستاده است. کرباسچی اقدام قوه قضائیه را عملی سیاسی می‌داند که بازندگان انتخابات ریاست جمهوری بدان دست باز دیده‌اند. روزنامه سلام نیز بر این نظر است که شهردار تهران در انتخابات ریاست جمهوری از خاستی دفاع کرده است و به همین خاطر امروز در نوک حمله جناح رسالت قرار گرفته است. سلام در پاسخ به سؤال یک خواننده می‌گوید: «... البته امروز اگر به راستی دنبال کشف سو استفاده بودند بسیاری از جاها باید بررسی شود. برخی از نهادهای مالی برخی از وزارتخانه‌ها و شرکت‌های تحت پوشش آنها، ولی فعلاً و تنها باید شهردار تهران افشا شود. چرا که آقای شهردار از کسی در انتخابات ریاست جمهوری حمایت کرده است که مورد میل و موافقت آقایان نبوده است.» و در یادداشت با عنوان "آتش خشم و

## وزارت خارجه آمریکا مجاهدین خلق ایران را

### در لیست گروه‌های «تروریست» قرار داد

لیست گروه‌های «تروریست» بسیار معنی‌دار است. دولت آمریکا از یک سو به اتحادیه اروپا فهمانده است که از اجرای تحریم مضاعف علیه شرکت فرانسوی توتال به علت معامله با ایران صرف‌نظر خواهد کرد (و این چشم‌پوشی قطعاً شامل سایر شرکت‌های اروپایی نیز خواهد شد) و از سوی دیگر، «ارزان»ترین راه نشان دادن «حسن نیت» به جمهوری اسلامی را در این میان بکشد که بخشی از اپوزیسیون ایران است. بدیهی است که جمهوری اسلامی در این شرایط، معنای این «ژست» را هر همان می‌فهمد که در موضوعگیری‌های وزارت خارجه رژیم و رفسنجانی آمده است: چراغ سبزی برای ادامه سیاست‌های گذشته، بدون آنکه از جانب جمهوری اسلامی عسل اصلی انزوای بین‌المللی ایران که همان سیاست تروریسم و سرکوب در خارج و داخل ایران است، برطرف شود.

## نشریه‌ی «ایران زمین» تعطیل شد

اجلاس شورای ملی مقاومت قطعنامه‌ای در باره‌ی اوضاع سیاسی کشور صادر کرد

با تغییر ماده ۴ اساسنامه این شورا، نحوه تصمیم‌گیری تغییر می‌کند.

الیه هم‌چنان که در جلسه سورتی شورا هم مطرح کردیم در مرحله کنونی، انتشار ارگان‌های عضو شورا، به ویژه انتشار مجدد «مجاهد» ارگان «سازمان مجاهدین خلق ایران» را برای سست و سو دادن نیروهای رزمنده به جانب «ارتش آزادیبخش ملی ایران» و همچنین ارتقای فعالیت‌های داخل کشور، بسیار ضروری می‌دانیم.»

تصمیمات شورا با دو سوم آرا و شرط عدم مخالفت سازمان‌های عضو اتخاذ می‌گردد. تاکنون تصمیمات شورا با دو سوم آرا و شرط عدم مخالفت سازمان‌های عضو «حق و تو» داشتند و از «ایران زمین» را منتشر کردند. اکنون بنا به «الزامات وضعیت و شرایط جدید»، «ایران زمین» می‌رود تا بار دیگر «مجاهد» بیاید.

### قطعنامه سیاسی در باره

#### اوضاع کشور و تغییر اساسنامه

#### شورای ملی مقاومت

در اجلاس اخیر «شورای ملی مقاومت» ضمن تصمیم به توقف انتشار «ایران زمین»، تغییر مواد ۴ و ۵ اساسنامه تصویب شد و یک قطعنامه سیاسی در ۱۲ ماده صادر گردید. در این قطع‌نامه با تأیید ارزیابی سیاسی «سازمان مجاهدین خلق ایران» از اوضاع سیاسی کشور و تأکید بر «مبارزه قهرآمیز» به عنوان «راه اصلی سرنوشت رژیم جمهوری اسلامی در بند ۷ آمده‌است: «شورای ملی مقاومت تنها جایگزین دمکراتیک مستقل برای حاکمیت نامشروع آخوندی و تنها راه حل برای تحقق آزادی و حاکمیت مردمی است. ضدیت با این شورا و تضعیف و تخریب آن در برابر دیکتاتوری مذهبی و تروریستی به هر عنوان و بهانه‌ای که باشد، در نهایت حاصلی جز ادامه حیات رژیم نخواهد داشت. اعضای شورا کماکان بر

#### ادامه از صفحه اول

خود به نقل از یک مقام بالای دولت کلینتون که نام او فاش نشده است نوشت افزودن مجاهدین به لیست گروه‌های تروریست، یک «ژست حسن نیت» در قبال دولت خاتمی است. در واکنشی نسبت به این «ژست»، وزارت خارجه جمهوری اسلامی ضمن استقبال از اقدام آمریکا اعلام کرد انتظار دارد دولت ایالات متحده همه نتیجه‌گیری‌های قانونی از این ارزیابی از مجاهدین را به اجرا بگذارد. هاشمی رفسنجانی رئیس «مجمع تشخیص مصلحت» رژیم نیز به استقبال از اقدام وزارت خارجه آمریکا شتافت و گفت آمریکا به حق، مجاهدین را تروریست نامیده است. روزنامه دولتی تهران تأیید نیز که به زبان انگلیسی منتشر می‌شود، از اقدام آمریکا استقبال کرد و خواهان آن شد که آمریکا و اروپا همه دفاتر مجاهدین را در کشورهای خود ببندند و رهبران مجاهدین را به جمهوری اسلامی

دو هفته پس از کناره‌گیری منوچهر هزارخانی از سردبیری نشریه «ایران زمین»، هیأت تحریریه این هفته‌نامه با انتشار اطلاعیه‌ای که متن آن در شماره ۱۵۶، چاپ شده‌است، خبر داد که «ایران زمین» از این پس منتشر نخواهد شد. براساس این اطلاعیه، تصمیم به تعطیلی قطعی «ایران زمین» در اجلاس اخیر شورای ملی مقاومت که در هفته اول مهرماه در عراق برگزار گردید، اتخاذ شد.

دو شماره پیش، هنگامی که منوچهر هزارخانی از سردبیری کناره گرفت و محمدعلی توحیدی مسئول سابق روزنامه «مجاهد» ارگان سازمان مجاهدین خلق برجای وی نشست، سخن از تعطیلی قریب‌الوقوع و توقف انتشار «ایران زمین» نبود. در باره علت خودداری سازمان مجاهدین خلق و «شورای ملی مقاومت» از ادامه انتشار اعضای هیئت تحریریه آمده است: «این تصمیم در راستای گسترش مقاومت برای آزادی میهنمان در مرحله جدید و سمت‌دادن همه تلاش‌ها و نیروها در مسیر راه‌گشایی «ارتش آزادیبخش ملی ایران» اتخاذ شد و در یک جلسه مشورتی «شورای ملی مقاومت» مورد تأیید کلیه حاضران قرار گرفت.»

در همین اطلاعیه ضمن اشاره به وظایفی که «ایران زمین» برعهده داشته و با استناد به قطعنامه اخیر اجلاس «شورای ملی مقاومت» که می‌گوید: «در شرایط نوین راه‌گشایی، وظیفه اولش پیوندادن هرچه بیشتر عنصر نظامی و عناصر اجتماعی است، حمایت و پشتیبانی از «ارتش آزادیبخش ملی ایران» و پیوستن به صفوف رزمندگان این ارتش یک وظیفه ملی عاجل است.»

## نخستین انجمن صنفی مطبوعات تشکیل شد

#### ادامه از صفحه اول

مشکل‌های دولتی غیر ممکن است. خاتمی طی پیامی به این مجمع از ایجاد و تقویت تشکل‌های صنفی حمایت کرد. در پیام وی آمده است: «مایه مباهات جامعه اسلامی و انقلابی ماست که در این زمان، مسئولان و دست‌اندرکاران مطبوعات کشور خود در صدد برآمدن تا با تشکیل انجمن صنفی مطبوعات به یکی از نیازهای

میرم جامعه در تقویت نهادهای مدنی پاسخ گویند». و اضافه شده است: «تعجلی روح مسئولیت‌پذیری و مشارکت‌جویی در قالب تشکل‌های صنفی و ترویج تعاون اجتماعی همواره مشوق و زمینه‌ساز شکل‌گیری رفتار جمعی و مقدم داشتن مصالح جامعه بر منافع فردی است. از این رو سامان‌گیری تشکل‌های غیردولتی

حرکتی است که نهایتاً جامعه را قادر خواهد ساخت تا با تنوع بخشی و گسترش عرصه‌های مشارکت و مشارکت‌جویی در نظارت مردم بر زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی به اصلاح امور و تقویت روند سالم تصمیم‌گیری اجرایی کشور مدد رساند.»





در باره عاشقان سینما و مستند دیدنی «کلوزآپ، نمای دور»

مفتون سینما، مطرود اجتماع

هادمیدیان

معرفی جدی آثار سینمایی بزرگانی چون گریپیت، فلاهرتی، لانگ و... پرداخت. (کایبدو سینما - شماره ۴۹۸)



حسن سبزیان بار دیگر در برابر دوربین: «کلوزآپ، نمای دور»

از بار روشنفکرانه اش تپه کرده اند. «عاشقان سینما» در این نوع جوامع، به قولی، طیف وسیعی را، از امضاگیران از هنرپیشه ها تا «عاشقان سینه کلویی» دربر می گیرد.

این جذب اگرچه پیش از سینما در نقاشی و عکاسی نیز نبود داشت، اما با پیدایش سینما، پیشرفت آن و بعدها ناطق شدنش گسترده اجتماعی و وسیعی را دربر گرفت. «سینه فلی» اگر چه با سینما مترادف نشد اما با همه گیر شدن آن و یافتن جایگاه واقعی و هنری اش به عنوان هنر هنرمند، نقش خود را در میان مولات اجتماعی به ثبت رساند.

احساس می کنم قصه قصه من است. این است که سینما به این شکل من را با خود می برد و برده است...

سبزیان چند سال پیش در زمان نمایش «کلوزآپ» در مصاحبه ای (مجله فیلم؛ اسفند ۱۳۶۹، شماره ۱۰۳) گفته بود: «با دیدن فیلم کلوزآپ یک خاطره ی خوش برآیم تداعی می شود... (تاشا گران) خیلی تشویق کردند. خیلی ها گفتند حرف دل ما را زد.» اما اینک با گذر پنج سال معتقد است که «کلوزآپ» یک سکه ی دو رو بود از طرفی آدم های «شهر کوله ها»، کسانی که از نوک بینی خود دور تر را نمی بینند، کسانی که به قول خاخرش در فیلم، هشتماد درصد این جامعه را تشکیل می دهند، مضمون آن را نفهیدند و او را به چشم یک کلاه بردار می بینند و از سوی دیگر افرادی نیز بودند که فیلم را درک کردند. سبزیان خود را زیر سنگینی نگاه این هشتماد درصد حس می کند: «من هزار و نهصد تومان از آن خانواده گرفتم و همه ی جهان حتما مرحوم میتران هم قهقهه!» «اگر کار من کار من کلاه برداری بود بقیه هم به نوعی کلاه بردار بودند. آن خانواده می خواست از طریق مخیلف معروف شود. این هم نوعی کلاه برداری است. آن خبرنگار با پخش خبر مربوط به من می خواست ارتباطی قلابی دیگری شود. این هم نوعی کلاه برداری است. حتما گارستنی با پرداختن به سوژه ی من و مطرح شدنش در جهان هم به نوعی کلاه بردار است!»

او توضیح می دهد که از آن کار «غیرعقلانه»ی خود پشیمان نیست اگر چه همان موقع نیز حس می کرد لباس مخیلف به تنش تنگ است اما: «من کار کوچکی نکردم. من به آرزوی تحقق نمی بخشیدم» و به یاد گذشته ی اورسن ونو، فیلساز بزرگ می افتد که در جمع دانشجویان سینما گفته بود اگر برای ساختن فیلم امکانات ندارید بزدید! و خود تکرار می کند که کسانی که چنین آرزویی دارند ولی امکانات ندارند «حرف اورسن ونو را گوش کنند. بروند بزدند!»

سبزیان در ادامه ی صحبت های خود معتقد است امثال او «کسانی که با این نوع طرز فکر مثل برف آب می شوند و جانی برای ابراز وجود ندارند. مرده، هم افقی داریم و هم عمودی. ماها شاید به نوعی عمودیش باشیم!» قطعه ی موسیقی ای که پس از این گفته از «کلوزآپ» کیارستنی روی صحنه می نشیند، تمامی صحبت های پیشین و سکانس کوتاهی که نمای عمومی ای از زندگی و خانه ی بسیار محقرانه ی حسین سبزیان را نشان می دهد، بار سنگین فقر، محدودیت های اجتماعی، فرهنگ پست مسلط بر جامعه و بالاخره عشق خانسانوز او به سینما را جلوه ای تکان دهنده می بخشد. در واقع «کلوزآپ، نمای دور» از آن دسته فیلم های مستندی است که تأثیر و

موفقت خود را بیش از هر چیز سدیون سوژه ی بکر و تکان دهنده ی خود است. در قسمت های بعدی، دوربین، ثابت بر چهره ی رنجور و پیرشده ی سبزیان می ماند تا این بار از ناملایماتی که در دوران کودکی خود به خاطر عشق به سینما کشیده است بگوید. او با گلایه ی مسلط که گاه با اصطلاحات سینمایی نیز همراه است، در پیچه های تازه ای از درون خود را به روی ما می کشاید. گویی سبزیان خود به روانکاوی خود می پردازد. در این گفته ها ما از خلال خاطرات او، بار دیگر نظاره گر چهره ی کریمه جامعه ی بیمار هستیم: «روزی پدرم دست من را گرفت و برد به سینمای لاله زار. فیلم غروس دریا را دیدم با بازی ویگن. بعد دستم را در دست سینما گذاشت. پدرم دستم را رها کرد، اما سینما نه! و من دستم را تو ی دست سینما سفت گرفتم و اولین بار به سینما سلام کردم.»

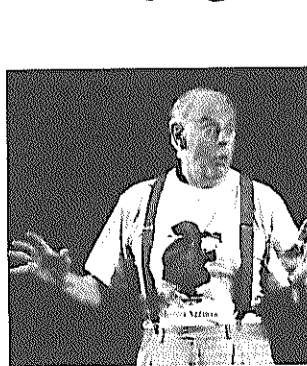
او با همان برخورد نخست شیفته ی سینما می شود و همین امر موجبی می شود تا بسیاری مواقع -حتا گاه تا سه ماه مداوم- به جای مدرسه سر از سینما درآورد و هر بار تیبه شود. و هر بار عشق او سرکوب شود. زمانی فرانسواتروفو -که عشق او به سینما بی شهادت به عشق سبزیان نبود- چنین سرکشی های کسودانه ای را در فیلم «چهارصد ضربه»ی خود نشان داده بود و عباس کیارستنی نیز در فیلم «مسافر» خود -داستان کودکی که عاشق فوتبال است- این کار را کرده بود. در این فیلم ها نیز دنیای بی رحم بزرگ ترها، دنیای سرکوب عواطف کودکان بود.

«روزی پدرم دستم را گرفت و گفت روز جمعه می خوام ببرم تو را بگردانم. من نمی دانستم موضوع چیست. رفتیم خانه ی یکی از دوستانش. ده یازده نفر آنجا بودند. میزبان شروع کرد به تعریف کردن از پدرم. من نمی دانستم جریان چیست. پدرم گفت ما در خدمتیم. تکلیف مان چیست؟ بعد همه با هم رقصیم زیر زمین. پسر میزبان هم بود... دیدم وسط زیرزمین چهارپایه ای را برعکس گذاشته اند. همه دور تا دور ایستاده بودند. بعد میزبان مرا هل داد طرف چهارپایه. طوری که باهام ای چهارپایه بیرون افتاد و خودم در میان پایده افتادم. همه می خندیدند. بعد گفت باید تربیش کنیم. با چوب های صیقلی شان هر کدام به نوبت

گردد. سرنوشتی که در جنوب اروپا اغلب با آن روبرو می شویم. وی در سال ۱۹۷۳ خود و هدف هنرش را اینگونه معرفی کرد: «انسان نارام. بدون اعتقاد و همیشه در شک. نه برای نابود کردن که برای ساختن. عقلا تیب تنها اعتقاد من است. زهرخندی که از هجو انتقادی من برمی خیزد بالاترین نشانه شک و کمکی به عقلا تیب است.» اگر چه آثار او «مشتر» گشته، اما هنر وی در بداهه گویی است. و بدین ترتیب است که اجرای هر نمایشنامه با گذشته آن متفاوت است. وی هر بار قبل از اجرای نمایشنامه و در روی صحنه به گفتگو با تماشاگران می نشیند. و با آتهایی که کمی دیرتر به سالن وارد می شوند به چاق سلامتی می پردازد. فو را می توان ترجمه نمود. دشواری کار اما در آنجاست که حتی قوی ترین مترجمان نیز از ترجمان زبان رسمی ایتالیایی وی که گاه به لهجه های متفاوت آن فرا می روید، باز می مانند.

فو ادامه دهنده سنت تئاتر روحوی «دلقکان» در بار است. آسان وجدان ستمدیدگان بودند که در قالب طنز و در قلب قدرت، آنگاه که خنده به پایان می رسید، پیام مردم را به قدرتمندان می رسانند.

وقتی خنده پایان می گیرد...



روز دهم دسامبر جایزه ادبی نوبل به داریو فو نویسنده ۷۱ ساله ایتالیایی اعطا خواهد شد. چهل سال پیش وقتی که فو برای چندمین بار در روی صحنه تئاتر دستگیر شد و با وقتی که تلویزیون های ایتالیایی پخش برنامه های وی را ممنوع کردند. شاید این جایزه مرهمی بر روی زخمهایش بود. اما اینک که وی با بیش از ۷۰ نمایشنامه معروفیتی جهانی پیدا نموده است، کمی دیر هنگام به نظر می رسد.

فو در طول فعالیت ادبی و هنری اش هیچگاه در مقابل واتیکان و سیاستمداران قدرتمند در ایتالیا کرنش نکرد. به همین دلیل هم بود که واتیکان نسبت به اعطای جایزه نوبل ادبی به نویسنده ای که ادبیاتش «چاق بحث» دارد را با ترش رویی برخورد نمود. دو روز بعد از اعطای جایزه صلح نوبل به گروه های «ضد مین» در آمریکا، اعطای این جایزه به فو بعنوان دومین «توده نی» کمیته نوبل به سیاست های ایالات متحده تلقی شد.













## فیدل کاسترو: آمریکا جنگ کامل علیه کوبا به راه انداخته است

فیدل کاسترو رهبر کوبا در سخنان خود که در پنجمین کنگره حزب کمونیست این کشور ایراد کرد گفت: آمریکا جنگ کامل اقتصادی و سیاسی علیه کوبا به راه انداخته است. او گفت که «پس از فروپاشی اردوگاه سوسیالیستی، آمریکا توانسته است سیاست خصمانه خود را بر این کشور کوچک متمرکز کند. آمریکا نه تنها تحریم اقتصادی خود را علیه کوبا ادامه می‌دهد بلکه سعی می‌کند که کشورهای دیگر را نیز به تحریم کوبا وادارد و علاوه بر آن آمریکا از عملیات تروریستی مخالفین دولت نیز حمایت می‌کند».

فیدل کاسترو در نطق آزاد و ۷ ساعته خود که بدون استراحت انجام گرفت، در مورد اقتصاد کوبا گفت که حزب خود را متعهد به مدل اقتصاد سوسیالیستی می‌داند و عناصر مثبت اقتصاد جهانی را می‌پذیرد و سعی می‌کند ساختار اقتصادی خود را با آن تطبیق دهد.

کوبا از سال ۹۳ رفرفمایی را به مورد اجرا گذاشته است از جمله اجازه کار آزاد، بازار کشاورزی و داشتن دلار.

۱۵۰۰ هیئت نمایندگی در این کنگره استراتژی اقتصادی ۵ ساله را تصویب کردند. در این استراتژی ضمن الویت بر بخش دولتی اقتصاد، پیش‌بینی شده است که «کارگاههای خصوصی در عرصه‌های مشخصی که منافع ملی ایجاب می‌کند در موارد استثنایی می‌توانند پیش از یک کارگر را به استخدام درآورند». اکنون در کوبا ۱۷۰ هزار نفر به کار آزاد اشتغال دارند.

در این کنگره فیدل کاسترو به عنوان رهبر حزب و رانول کاسترو برادر فیدل کاسترو در سمت معاونت وی ابقا شدند.

## سفر بیل کلینتون

### به آمریکای جنوبی

کلینتون رئیس جمهور آمریکا، سفر چند روزه‌ای به کشورهای آمریکای جنوبی انجام داد. او در کشورهای ونزوئلا، برزیل و آرژانتین بیش از همه در پی جلب همکاری این کشورها برای قرارداد الکا (منطقه آزاد تجاری) که از طرف آمریکا حمایت می‌شود، بود. این موضوع در بین کشورهای این منطقه که عضو قرارداد منطقه‌ای «Mercosur» یعنی برزیل، آرژانتین، پاراگوئه، اورگوئه، شیلی و بولیوی به سردی پذیرفته شد. کلینتون در سخنرانی خود در مقابل کارفرمایان آرژانتینی به آنها قول داد که محدودیت‌های گمرکی آمریکا برای کالاهای این کشورها در آینده نزدیک کاهش خواهند یافت.

در ونزوئلا با قرارداد ۳۰ میلیارد دلاری که منعقد گردید استخراج نفت در ونزوئلا از ۳/۴ میلیون بشکه در روز به ۶ میلیون افزایش خواهد یافت. ونزوئلا بزرگترین صادرکننده نفت به ایالات متحده آمریکا است.

## مرگ بر اثر گرسنگی

«هرساله در جهان سوم ۱۸ میلیون نفر بر اثر گرسنگی از بین می‌روند و این در حالی است که تولید غله در جهان قادر است دوبرابر جمعیت جهان را سیر کند». مؤسسه جهانی کشاورزی FAO وابسته به سازمان ملل به مناسبت روز جهانی تغذیه در اطلاعیه‌ای که در رم انتشار داده است، ضمن اعلام این مطلب می‌گوید: وضعیت در آفریقا و کشورهای جنوب آسیا بدترین حالت را دارد. دور تسلسل سوء تغذیه به آن دامن می‌زند. مادرانی که دچار سوء تغذیه هستند کودکانی را به دنیا می‌آورند که بیشتر در معرض ابتلا به بیماری‌های مختلف هستند و قادر به اشتغال کامل نیستند. برای مبارزه درازمدت با این پدیده بایستی درآمد اقشار پایینی افزایش یابد، به کشاورزان زمین داده شود و محصولات غذایی عادلانه توزیع گردد.

به منظور رشد کشاورزی کشورهای جهان سوم بایستی ۱۶۶ میلیارد دلار سالانه سرمایه‌گذاری شود، تا رشد فزاینده مصرف محصولات غذایی تامین شود به دلیل وضعیت ویژه در برخی کشورها کمک‌های اضطراری اکنون فوریت دارد.

## افزایش تجارت سلاح‌های نظامی

انستیتوی بین‌المللی مطالعات استراتژیک در گزارش خود موسوم به «تبادل نظامی سال ۹۷-۹۸» می‌نویسد: تجارت اسلحه در جهان پس از چند سال رکود در دومین سال افزایش پیاپی از خود نشان می‌دهد.

کشورهای خاور نزدیک و آسیایی در صدر کشورهای خریدار قرار دارند و کشورهای آمریکای لاتین نیز خریدهای خود را افزایش داده‌اند.

صدور اسلحه در سال گذشته ۸ درصد رشد داشته و به ۴۰ میلیارد دلار رسیده است. عربستان سعودی با ۹ میلیارد دلار واردات اسلحه اولین کشور جهان در خرید تجهیزات نظامی می‌باشد. مصر در رده دوم با ۲/۳ میلیارد و سپس ژاپن، انگلیس، چین، تایوان و کویت هرکدام با یک میلیارد دلار قرار دارند. اسرائیل و ترکیه با اختلاف کمی پس از این کشورها قرار دارند. اندونزی فقط در طی یکسال از ۹۵ تا ۹۶ خرید اسلحه خود را از ۲۰۰ به ۷۰۰ میلیون دلار رسانده است.

آمریکا و انگلیس و فرانسه در راس صادرکنندگان اسلحه قرار دارند، آمریکا و انگلیس با صدور هواپیماهای جنگی به کشورهای دیگر در مسابقه فروش سلاح رده‌های اول و دوم را به خود اختصاص داده‌اند.

آنهايي که جانشان را در شرایط مشابهي از دست دادند، گناهکار می‌دانم. سیاست دانسی او، تحریک مردم بر علیه فلسطینی‌ها است. در واقع او، افرادی که این‌چنین عملیات‌تجاری را انجام می‌دهند را با سیاستش آنتدر

## واقع‌گرا باشیم غیر ممکن‌ها را ممکن کنیم

چه‌گوارا



**ORDENAN**  
que salgan de México cubanos libertados: Castro sigue preso

سال ۱۹۵۵: چه‌گوارا و فیدل کاسترو در یکی از زندان‌های مکزیک

۳۰ سال از مرگ ارنستو چه‌گوارا انقلابی بزرگ آمریکای لاتین گذشت. اما وی همچنان چهره محبوب میلیون‌ها جوان در سراسر جهان است. در هزاره سوم نیز زندگی وی در قلب جوانان، شاداب ادامه خواهد یافت.

## ایتالیا: بحران پایان یافت اما...

حقوق بازنشستگی، بیمه‌های اجتماعی و بیکاران انجام خواهند گرفت. با بالاگرفتن بحران سیاسی، «D'Alema» رهبر حزب چپ دمکراتیک خواستار انتخابات جدید گردید. سه‌شنبه گذشته حزب کمونیست تمایل خود را به ادامه مذاکرات اعلام نمود که طی این مذاکرات توافقاتی نیز حاصل شد. کمونیست‌ها موافقت خود را با برنامه بودجه سال ۹۸ اعلام نمودند و دولت پرودی نیز در مقابل تقبل نمود از اول ژانویه سال ۲۰۰۱ برنامه ۳۵ ساعت کار هفتگی را به اجرا درآورد.

این توافق در آینده دولت پرودی را که محصول ائتلاف چپ و میانه است را با مشکل بزرگتری روبرو خواهد نمود: اتحادیه کارفرمایان دولت پرودی را به مداخله در آزادی تعرفه کار، که حاصل توافقات کارفرمایان و سندیکاهای می‌باشد، نموده است و اعلام نمود تمامی تعرفه‌ها را باطل می‌داند. از سوی دیگر سندیکاهای ایتالیا کارگران را جهت کسب تعرفه‌های

موفق شد مقام شهرداری این شهر را کسب نماید. هرچاکه این ائتلاف شکل نگرفت مثلاً در شهر میلان نماینده «زیئون» آلدو فومالی شکست خورد. برخی ناظران سیاسی امور ایتالیا عمر دولت چپ را کوتاه‌تر از سایر دولت‌ها در این کشور برآورد نمودند. این ناظران قبل از هر چیز معتقد بودند ادامه خصومت‌های ناشی از بحث‌های ایدئولوژیک دوران گذشته دو حزب چپ دمکراتیک «PDS» با ۲۰ درصد رای و حزب بازسازی کمونیستی که هشت درصد آرا را در اختیار خود دارد، آینده ائتلاف «زیئون» را شکننده می‌نمایند.

پنجشنبه هفته گذشته رومانو پرودی نخست‌وزیر ایتالیا، پس از آنکه کمونیست‌ها از پشتیبانی برنامه بودجه سال ۱۹۹۸ دولت ائتلافی سر باز زدند، استعفاي خود را اعلام نمود. عدم پشتیبانی کمونیست‌ها از آنجا آغاز شد که پرودی اعلام نمود در برنامه این سال رایانه‌های دولتی کاهش خواهند یافت، رفم در امور

پس از فروپاشی سوسیالیسم سابقاً موجود درون حزب کمونیست ایتالیا «PCI» انشعاب شد. در نتیجه این انشعاب احزاب چپ دمکراتیک Partito Demokratico della Sinistra و حزب بازسازی کمونیستی «Rifundazione Comunista» بوجود آمدند.

بحران ایدئولوژیک چپ‌ها و آلودگی حزب دمکرات مسیحی به مافیا باعث بوجود آمدن یک خلا سیاسی شد که زمینه را برای قدرت‌گیری نتوفاشیست‌ها به رهبری «جان فرانکو فیینی» و «Forza Italia» برهبری برلوسکونی آماده نمود.

هجده ماه پیش ائتلاف چپ میانی ایتالیا «L'Ulivo» به نتیجه رسید و پس از سقوط دولت برلوسکونی این ائتلاف در انتخابات سال ۱۹۹۶ پیروز شد. در این انتخابات از قبیل توافقی‌هایی در مورد کاندیداهای مشترک صورت گرفت. در شهر تورین نماینده ائتلاف زیئون «والنتینو کاستلانی» با کسب آرای کمونیست‌ها

## اسرائیل در برابر تروریسم

شهادت خانم «نوریت پلد الهانان» استاد دانشگاه اورشلیم

منبع: لومند دیپلماتیک اکتبر ۱۹۹۷

برگردان: علی صمد (پژمان)

در گذشته چندین بار از دختر «ماتی پلد» مبارز راه صلح که بارها بدون اعتنا و توجه به مرزها و تابوها برای آشتی تاریخی میان مردم فلسطین و اسرائیل تلاش کرده بود، در شکلی تحریک آمیز سوال کردند: «اگر دختر یا پسر تان در جریان یک عملیات تروریستی فلسطینی کشته شود، شما چه خواهید کرد؟» من عادت دارم که جواب صریح بدهم: «من داشا بر سیاست فاجعه‌باری که فلسطینی‌ها را به ناامیدی سوق می‌دهد تأکید داشتم. چونکه این سیاست در واقع منشأ تمام مصیبت‌ها است و اگر روزی چنین حادثه غم‌انگیزی برآیم اتفاق بیافتد بر این اعتقاد بیشتر راسخ خواهم شد که تنها همزیستی میان دو ملت است که به خشونت و مرگ پایان خواهد داد».

و اینک: وحشتناکترین و سخت‌ترین مصیبتی که قابل تصور است بر خانه ما آنجا روی نخواهد داد». چند ثانیه سکوت و بعد ادامه می‌دهد: «من برای داشتن والدینی همچون شما شانس بزرگی دارم! پدر دوستم «لولو» اجازه گردش در مرکز شهر را به او نمی‌دهد. بیچاره لولو! شما خیلی مهربانید. اگر چنین نبود من عذاب می‌کشیدم». «لولو» اغلب به خانه ما می‌آید و مدام گریه می‌کند.

چند ساعت بعد از عملیات انتحاری، در سردخانه بیمارستان جسد دخترم را دیدم. یک طرف صورتش کاملاً سوخته بود. در طرف دیگر، دهانش را دیدم که بی‌اندازه باز مانده بود. دهانش احتمالاً در هنگام انفجار، به خاطر فریاد از درد غیر قابل تحملی که کشیده بود، منجمد شده است. این تصویر را در خاطر من تا هنگامی که زنده باشم، نگه خواهم داشت. دیگر گل و سرور خانواده‌ام در میان ما نیست.

«بی‌بی، چکار داری می‌کنی؟»

ساعت ۱۵ روز ۴ سپتامبر، دختر ۱۴ ساله‌ام «اسمادار» درست در سنین شکوفایی عمرش در عملیاتی انتحاری در خیابان «بن‌یهودا»، کشته شد. او با دوستش «سویان» برای خریدن کتابی از خانه خارج شد. به او گفتم از رفتن به مرکز شهر بسخاطر بمب‌گذاری، خودداری کند. او در جواب به من گفت آخرین کلماتی که از او شنیدم: «مامان، خودت را نگران نکن، هیچ اتفاقی در